

بررسی نظام های ارزیابی آموزش عالی در جهان به منظور ارائه مدل مناسب برای آموزش عالی کشور

دکتر نادرقلی قورچیان *

دکتر حسن شهرکی پور **

چکیده

امروزه، دانشگاهها دارای نقش‌هایی درهم پیچیده و به هم پیوسته است لذا رشد کمی دانشگاهها بدون توجه به فرایند تحولات علمی و نیازهای واقعی جامعه و استانداردهای کیفیت قطعاً کارساز نخواهد بود.

پژوهش حاضر در صدد ارائه مدل مناسبی برای ارزیابی آموزش عالی کشور است که با روش‌های پیشرفته علمی و آماری موجبات افزایش ضریب اطمینان را فراهم آورد. در کشور ما مسئله اساسی که باید در دانشگاهها مورد توجه قرار گیرد ایجاد یک نظام ارزیابی مدرن می‌باشد که بتواند به فعالیت‌های دانشگاهی مشروعیت علمی و قانونی ببخشد و در کنار گسترش کمیت بتواند به حفظ کیفیت و پویا کردن نظام آموزش عالی کشور به عنوان ابزاری قانونمند بپردازد، بنابراین ضرورت دارد جهت بهبود و ارتقاء کیفیت یک نظام ارزیابی در آموزش عالی کشور به کار برده شود.

روش این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها روش توصیفی- پیمایشی است که با استفاده از دو پرسشنامه اطلاعات و داده‌ها تجزیه و تحلیل گردیده است. جامعه آماری پرسشنامه اول شامل اعضای هیات علمی شاغل در دانشگاهها می‌باشد که مشتمل بر ۱۸ نوع نظام ارزیابی شناخته شده در آموزش عالی جهان در بین حجم نمونه چهل نفر از صاحب نظران توزیع و اطلاعات حاصله توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. همچنین با عنایت به پیشینه و ادبیات مستخرجه تحقیق و اطلاعات و داده‌های مکتسبه به پرسشنامه اول مدل مناسب نظام ارزشیابی ۳۶۰ درجه ای تدوین گردید و بین ۳۸۴ نفر از روسای دانشگاهها (۷۳ نفر)، معاونین آموزشی (۵۸ نفر)، اعضای هیات علمی (۱۵۳ نفر) و متخصصان آموزش عالی (۱۰۰ نفر) توزیع گردیده و مدل مشتمل بر عناصر فلسفه و اهداف (۹۰ درصد)، مبانی نظری (۷۶ درصد)، مراحل اجرایی (۱۰۰ درصد) و نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد (با تایید ۰/۹۲ درصد) می‌باشد که در مجموع با مقیاس ۹۳ از ۱۰۰ درصد مورد تایید نهایی برای نظام ارزشیابی کشور واقع گردید.

واژگان کلیدی :

مدل، نظام آموزش عالی، ارزیابی آموزش عالی، ارزیابی ۳۶۰ درجه ای، ارزیابی نظام آموزش عالی کشور

* استاد، عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

تهران- بزرگراه اشرافی اصفهانی- به سمت حصارک- دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** دانش آموخته دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (h_shahrakipour@yahoo.com)

تهران- بزرگراه اشرافی اصفهانی- به سمت حصارک- دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

نویسنده مسئول یا طرف مکاتبه : دکتر حسن شهرکی پور

مقدمه

نقش آموزش عالی در توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار کشورها، بیش از پیش مورد توجه همگان قرار گرفته است. امروزه، دانشگاه‌ها دارای نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی به طور درهم پیچیده و به هم پیوسته است. از این رو باید به نظام آموزش عالی در مدل پاسخگویی به ضرورت دینی، ملی و انقلابی و عرصه‌ای برای ظهور و بروز همه ظرفیت‌ها و استعدادها کشور نگریست. بر این اساس رشد کمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی به تنهایی و بدون توجه به فرایند تحولات علمی و نیازهای واقعی جامعه و استانداردهای کیفیت قطعاً کارساز نخواهد بود.

کیفیت مطلوب، تناسب میان آموزش و پژوهش، پاسخگویی به نیازهای جامعه، بهره‌مندی از اطلاعات و ارتباطات روزآمد علمی، نظارت و ارزیابی از جمله مباحث هستند که هماهنگ با گسترش کمی می‌توانند آموزش عالی را به سوی ایفای نقش توسعه‌ای مورد انتظار رهنمون سازد. بنابر این اگر رسالت اصلی آموزش عالی را تربیت و تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور بدانیم این رسالت یکی از اهداف کیفی به حساب می‌آید که مستقیماً به کیفیت نظام آموزش عالی ارتباط پیدا می‌کند. به همین جهت آموزش عالی رسمی با پیشینه‌ای به قدمت بیش از هشت سده، به عنوان نهادی کلیدی مورد توجه خاص ملتها و دولتها بوده است. در نتیجه دستیابی به فناوری و دانش پیشرفته که می‌تواند نقش مؤثری در تحقیق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایفا کند، صرفاً با تقویت آموزش عالی و برنامه‌ریزی کمی و کیفی آن میسر است (محمدی، فتح آبادی، پرنده، ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی، ۱۳۸۴).

دانشگاه‌ها به عنوان زیرنظام‌های کلان آموزش عالی در فرآیند توسعه یک کشور به عنوان مراکزی که به تربیت و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و دارای مهارت جهت پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های مختلف می‌پردازند نقش حیاتی و کلیدی را برعهده دارند؛ چرا که دانشگاه‌ها با بروندادهای (بازده‌ها) خود به جامعه، عملاً در راه توسعه گام برمی‌دارند. با توجه

به نقش و جایگاه دانشگاه‌ها و حساسیت بالای مردم نسبت به عملکرد این نهاد، بایستی در هر دو بعد کمی و کیفی بصورت موزون و متعادل رشد نماید.

از سوی دیگر امروزه محدودیت منابع انسانی و مادی جامعه، بررسی عملکرد دانشگاه‌ها را ضروری می‌نماید. نگاهی به تحولات نظام آموزش عالی کشور در دو دهه گذشته از نظر جمعیت دانشجویی، حاکی از رشد کمی و عدم توجه کافی به کیفیت دانشگاه‌ها و بهبود و ارتقاء آن می‌باشد. در خصوص وضعیت ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور، نتایج برخی تحقیقات حاکی از این امر است که ارزیابی کیفیت نظام دانشگاهی از چهارچوب مشخص و منسجمی برخوردار نبوده و همین امر باعث ایجاد مشکلاتی در سر راه بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها بوده است (بازرگان، ۱۳۷۷).

برای اصلاح مستمر نظام دانشگاهی استقرار یک سیستم کارآمد ارزیابی که به وسیله آن بتوان ضمن بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی و پژوهشی، نظام دانشگاهی را مدنظر قرار داده، در عین این که باید از متن نظام دانشگاهی و ضرورت‌های آن برخاسته و منطبق با ویژگی‌های این نظام باشد، ضرورت دارد. نتایج تجربیات قبلی درباره استفاده از رهیافت‌های ارزیابی نشان داد، که ارزیابی برای این منظور از مطلوبیت برخوردار است (بازرگان، ۱۳۷۴).

هزاره سوم با آوای اقتصاد جهانی و تحول بنیادی علوم و فناوری همچون مخابرات نوری، رایانه‌های شخصی و انرژی‌های جانشینی، بیوتکنولوژی و نانو تکنولوژی همراه و هم‌زاد بوده است و نتایج آبی این تحولات همانا ظهور عصر فرای پیچیده و دانش تکنولوژی سازمان یافته بوده است. مصدر و مأمّن این دانش و تکنولوژی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و به روایت جدید دانشگاه‌های چندنهادی، دانشگاه‌های بزرگسالان، دانشگاه‌های از راه دور، و دانشگاه‌های مجازی بوده است.

نتایج این تحولات، انتظارات جدید کمی و کیفی برای آموزش عالی ایجاد نموده است. قوام و دوام انتظارات کمی و کیفی بستری از بصیرت‌ها، تکنیک‌ها را نضج داده است که خواهان تضمین کیفی و کمی و ضریب اطمینان مطلقه

نیازمند کار علمی بیشتر جهت ارزیابی است و این نیاز به ویژه در مبانی نظری و الگوهای ارزیابی به عنوان یک حوزه تخصصی ملحوظ می باشد. دلیل بارز آن همانا فقدان یک مدل ارزیابی در دانشگاههاست.

لذا با توجه به اهمیتی که تدوین مدل مناسب در خصوص ارزیابی آموزش عالی وجود داشت، این ضرورت ایجاد گردید تا پژوهشگر به تبیین آن بپردازد. از سوی دیگر چگونگی پاسخگویی به مسائلی همچون درک پیچیدگی های عصر نوین، تعیین ساز و کارهای آینده پژوهشی و شناخت دقیق نیازهای جامعه و نیازآفرینی در نظام آموزش عالی کشور با بررسی وضعیت موجود در قالب برنامه های منسجم و مبتنی بر معیارها و استانداردهای معتبر آغاز می گردد تا در مرحله اول در فرآیندی سازمان یافته اعتبار نظام آموزش عالی کشور (دانشگاههای دولتی و غیرانتفاعی) در ابعاد مختلف مورد سنجش قرار گیرد و نتایج حاصل از این ارزیابی گسترده، پایه ای استوار جهت طی مراحل بعدی از جمله رتبه بندی کردن دانشگاهها خواهد بود. به همین لحاظ «ارزیابی نظام آموزش عالی» سالهاست که در کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است.

گزارشات کشورهای مختلف نشان می دهد که در مسیر تکامل این فرآیند لازم است ابتدا فلسفه، اهداف، نقش و اهمیت ارزیابی در سطوح مختلف آموزش عالی و جامعه شناخته شود.

همچنین اصول، روشها و عملکردهای نظام ارزیابی به درستی و بصورت شفاف تعریف و تعیین شوند که از چه ابزار، شاخصها و استانداردهایی بایستی در امر ارزیابی به منظور تعیین سطح اعتبار نظام آموزش عالی بهره جست و سرانجام چه الگویی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیازهای جامعه می توان برای ارزیابی دانشگاههای کشور اعم از دولتی و غیرانتفاعی طراحی و پیشنهاد کرد.

در کشور ما مسئله اساسی که باید در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد ایجاد یک نظام ارزیابی مدرن می باشد که بتواند به کلیه فعالیت های دانشگاهی مشروعیت علمی و قانونی ببخشد و در کنار گسترش کمیت می تواند به حفظ کیفیت و پویا کردن

از تحقق رسالتها و منشورهای آموزشی، پژوهشی، رشد حرفه ای، ارائه خدمات حرفه ای، همکاری های بین المللی، نوآوری و نیازآفرینی می باشد.

مطالعات تطبیقی آموزش عالی نشان می دهد، دانشگاههایی موفق هستند که از یک چرخه زندگی دانشگاهی یعنی نظام برنامه ریزی توسعه، نظام نگهداری و ارزیابی و اعتبارسنجی و نظام تولید و توزیع برخوردار باشند. بنابراین نظام ارزیابی و اعتبارسنجی یکی از چرخه های اصلی زندگی دانشگاهها بوده که پژوهشگر به امر تحقیق پرداخته است به عبارت دیگر از طریق ارزشیابی درونی و بیرونی و فاصله بین شاخص ها و عملکردها نظام آموزش عالی، کاملاً مشخص و شفاف میگردد. نظارت و ارزیابی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به مشاهدات منظم توأم با دانش، بینش و آگاهی که به ثبت پدیده ها می پردازد اطلاق می شود و از ابزارهای کمی و کیفی چون گزارشها، مشاهدات، چک لیستها (سیاهه ها)، نشستها، ایده ها و حقایق بهره مند می گردد. به علاوه از طریق این ابزارها به جمع آوری بازخوردها پرداخته و اقدام به اصلاح امور می نماید (قورچیان، ۱۳۷۹).

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر در صدد ارائه مدل مناسبی برای ارزیابی نظام آموزش عالی کشور است که با روش های پیشرفته علمی و آماری موجبات افزایش ضریب اطمینان را در ارزیابی عملکرد نظام آموزش عالی کشور فراهم آورد. در این مطالعه مؤلفه های اصلی ارزیابی نظام آموزشی همچون هیأت علمی، فرایندهای یاددهی و یادگیری، نظام امتحانات، نظام پذیرش و فارغ التحصیلی مورد مذاقه قرار خواهند گرفت.

با عنایت به اینکه آموزش عالی یک حوزه تخصصی بوده و دارای ادبیات سازمان یافته حرفه ای است و با توجه به تلاش مستمری که بعد از انقلاب اسلامی، جهت ارتقای کمی نظام آموزش عالی کشور صورت پذیرفته است، وضعیت رشد کمی آن با استانداردهای منطقه ای و بین المللی بسیار مناسب و چشمگیر است. اگرچه به موازات این رشد در خصوص کیفیت آموزش عالی نیز گامهایی برداشته شده با این وجود آموزش عالی کشور

کیفیت آنها مسائل و مشکلات متعددی وجود دارد که منجر به پایین آمدن سطح کیفی آنها شده است. بهبود کیفیت تنها از طریق ایجاد یک فرهنگ رشد مداوم و ایجاد تغییرات مورد نیاز و تدریجی در نگرش و طرز تلقی اعضای هیأت علمی می‌باشد. بنابراین ضرورت دارد رهیافت ارزیابی را در سطح کلیه دانشگاه‌های کشور (نظام آموزش عالی) به کار ببریم تا بستر لازم جهت نهادینه شدن فرهنگ ارزیابی و بهبود و ارتقاء کیفیت در نظام آموزش عالی کشور مهیا گردد.

بنابراین برنامه‌ریزی صحیح برای رسیدن به اهداف توسعه مستلزم شناخت و توصیف وضع موجود و فعالیت‌های حال و آینده دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی است تا در روند توجه به مسئولیت‌ها و نقش‌های دانشگاه در عرصه ملی و بین‌المللی و ارتقای سطح اطلاع‌رسانی در بخش آموزشی کشور و همچنین با مقایسه عملکرد گذشته و حال، ارزیابی درونی و بیرونی آنها، جهت‌گیری صحیح فعالیت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی آینده این بخش میسر می‌شود. در جهان امروز برای دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی پنج وظیفه اصلی در سطح بین‌المللی ترسیم شده که نقش آنها را از تک نقشی و تک نهادی به چند نقشی و چند نهادی تبیین نموده‌اند. اهم این وظایف و نقش‌ها به شرح زیر است:

۱- آموزشی

۲- پژوهشی

۳- خدماتی

۴- انتشاراتی

۵- رشد حرفه‌ای (کی‌یر و هنی، ۱۹۹۲).

برای حصول اطمینان از تحقق این وظایف به طراحی سیستم‌های ارزیابی در دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی پرداخته شده است. در این فرایند تلاش بر آن بوده است که با ملاکها و اصولی این مهم را انجام دهند. یکی از راهکارها همانا روش ارزیابی است. که از این طریق می‌توان بر کارکردهای گوناگون مدیریت و برنامه‌های دانشگاهها و مراکز آموزش عالی اشراف داشت. زیرا این امر باعث می‌شود که با بهره‌گیری هرچه بیشتر و بهتر از منابع، هدف‌های مطلوب را تحقق بخشید. به عبارت دیگر نظام ارزیابی دانشگاهی به عنوان یک نظام از نظام دانشگاهی

نظام آموزش عالی کشور به عنوان ابزاری قانونمند بردارد، بنابراین ضرورت دارد ارزیابی را در سطح کلیه دانشگاههای کشور به کار ببریم تا بستر لازم جهت نهادینه شدن فرهنگ ارزیابی و بهبود و ارتقاء کیفیت در نظام آموزشی عالی کشور فراهم گردد.

در خصوص اهمیت و ضرورت ارزیابی می‌توان گفت که همه افراد ذیربط در نظام آموزش عالی بر بهبود و ارتقاء کیفیت کنونی آن در سطوح و اجزاء مختلف تأکید دارند. بهبود یک نظام آموزشی زمانی رخ می‌دهد که کژی و کاستی فعالیت‌های آن اصلاح شود. چه اینکه کژیها و کاستیها در یک نظام به منزله نواقص و عیوب آن بوده و در نتیجه، نتایج مطلوب به عنوان برون‌داد و یا پیامد از آن حاصل نخواهد شد. جهت برطرف کردن هرگونه نارسایی و کاستی در یک نظام، قدم اول تشخیص نارسایی و علل و عوامل آن است (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۶۹).

از سوی دیگر برنامه‌ریزی و ارزیابی در نظام دانشگاهی از جمله کارکردهای مدیریت آموزش عالی است. به منظور تحقق بخشیدن به هدف‌های این نظام، باید کارکرد ارزیابی بر سایر کارکردهای مدیریت دانشگاهی اشراف داشته باشد. این امر باعث می‌شود که با بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع، تحقق هدف‌های مطلوب و مورد انتظار، امکان‌پذیر شود. از این رو نظام دانشگاهی بایستی بطور مستمر به قضاوت درباره مطلوبیت عوامل درون‌داد، فرآیند و برون‌داد خود پرداخته و حاصل آن جهت بهبود امور (آموزشی، پژوهشی و عرضه خدمات تخصصی به جامعه) مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد. در این خصوص اکثر صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی به این امر اذعان می‌دارند که دانشگاهها در چشم‌انداز سالهای آتی خود با چالشها و انسجام در علم و دانش می‌باشد.

از این میان بحث کیفیت و بهبود و ارتقاء آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. نتایج تحقیقات حاکی از این امر است که افزایش هزینه‌ها در آموزش عالی و به عبارتی تخصیص منابع بیشتر به آموزش عالی در قبال بازده و فرآورده‌های کمتر، ناشی از فقر کیفیت در نظام آموزش عالی و فعالیت‌های آن است. از سوی دیگر شواهدی وجود دارد مبنی بر این که در ایران، دانشگاهها در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار نداشته است و از سویی بر سر راه

۳. رتبه‌بندی دانشگاهها صورت پذیرد.
۴. پاسخگویی بیرونی و ارتقای علمی و کیفی در سطح ملی، منطقه‌ای بین‌المللی صورت گیرد.

مروری بر ادبیات پژوهش

الف) پیشینه پژوهش در ایران

با توجه به مطالعاتی که پژوهشگر در خصوص پیشینه تحقیق با عنایت ویژه با عنوان رساله داشته، تحقیقی در این خصوص در کشور صورت نگرفته است. مروری بر پیشینه پژوهش در نظام آموزش عالی کشور نشان می‌دهد که آموزش عالی کشور (نظام دانشگاهی اعم از دولتی و غیر دولتی) فاقد یک مدل ارزیابی منسجم و مدون و بومی می‌باشد لذا این پژوهش به منظور رفع این خلاء و ارائه مدلی بومی جهت ارزیابی نظام آموزش عالی کشور صورت گرفته است و گزارشات و مباحثات در دانشگاههای کشور حاکی از این حقیقت بود که در نظام آموزش عالی کشور یک کار پژوهشی جامع و کامل که بتواند تمامی مولفه‌های نظام ارزشیابی را بررسی کند و جود ندارد.

مطالعه و بررسیهای صورت گرفته توسط پژوهشگر نشان می‌دهد برای اولین بار در سال ۱۳۳۴ (ش.ش) شورایی به نام "شورای مرکزی دانشگاهها" تشکیل که در صورت لزوم با اعزام بازرسان شایسته بر روند فعالیت موسسات آموزش عالی با توجه به قوانین و مقررات و احتیاجات و امکانات کشور نظارت نماید. که ماده ۳ قانون مذکور در خصوص نظارت و ارزیابی به شرح ذیل می‌باشد:

ماده ۳: قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۵۳ هـ. ش) نظارت بر برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های ارتباطات جمعی از نظر تربیتی و ایجاد هماهنگی و ارتباط منطقی میان همه سطوح آموزشی می‌داند (دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی، ۱۳۷۲).

بنابراین تشکیلات ارزیابی در آموزش عالی کشور از سال ۱۳۶۵ با تصویب قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاهها گسترش یافت و در سال ۱۳۷۰ با شکل‌گیری دفتر نظارت و ارزیابی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و به دنبال آن شورای نظارت و ارزیابی به منظور نظارت و سنجش آموزش دانشگاهها تشکیل گردید. (ابیلی، ۱۳۷۱).

باید از ابتدای اندیشیدن درباره طرح هر دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی طراحی و استقرار یابد تا بتوان از تحقق رسالت، مأموریت و هدف‌های ویژه و وظایف پنج‌گانه دانشگاه اطمینان پیدا کرد.

این امر زمانی امکان‌پذیر است که نظام ارزیابی دانشگاهی درباره مطلوبیت عوامل درون‌داد (دانشجو، هیأت علمی، برنامه درسی، فرایند تدریس، یادگیری)، برون‌داد (دانش‌آموختگان، تولیدات) به طور مستمر قضاوت به عمل آورد و حاصل آن جهت بهبود امور آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای و عرضه خدمات تخصصی به جامعه مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد. اصولاً برای انجام ارزیابی، می‌توان از الگوهای گوناگونی مانند: تحقق هدفها، ملاکهای درونی، ملاکهای برونی و تسهیل تصمیم‌گیری (مانند سیپ) استفاده کرد (بازرگان، ۱۳۷۴). به بیان دیگر برای ارزیابی دانشگاهها از انواع شاخص‌هایی مانند درون‌داد، فرایندی، برون‌داد، شناختی، بازدهی، دانشجویی، علمی، رفاهی، مالی و کالبدی استفاده می‌شود (حسینی‌نسب، ۱۳۷۲).

به طور کلی یکی از مسائل اساسی که دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزشی و پرورشی کشور با آن مواجه هستند همانا فقدان سیستم‌های منسجم ارزیابی است. در حقیقت فقدان روشهای استراتژیک ارزیابی دانشگاهها موجب ابهام عملکردی آنها گردیده است. نتایج این ابهام، موجب ابهام کیفیت، عدم رقابت علمی بین دانشگاهها، عدم رتبه‌بندی علمی در دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی بر اساس شاخص‌ها گردیده است. پژوهش حاضر در صدد ارائه مدل مناسب جهت ارزیابی نظام آموزش عالی کشور می‌باشد. پژوهشگر بر آن است که به مدد مبانی نظری، تجارب بین‌المللی و داخلی، مؤلفه‌های اصلی یک الگو جهت ارزیابی در مراکز و مؤسسات آموزشی کشور را ادامه دهد. زیرا بی‌تردید نظام آموزش عالی براساس اهداف، رسالت‌ها و همچنین تضمین و بهبود مستمر کیفیت خود به ابزاری جهت ارزیابی خود نیاز دارد که با استفاده از نظام ارزیابی به مسایل ذیل بپردازد.

۱. میزان تطابق وضعیت نظام آموزش عالی کشور با استانداردهای از پیش تعیین شده.
۲. ابهام عملکردی رفع گردد.

همچنین روند تحولات قانونی نظارت و ارزیابی نشان می‌دهد که یک بررسی و مطالعه تطبیقی جامع از کل نظامهای ارزیابی جهان در نظام آموزش عالی کشور صورت گرفته و در این خصوص جناب آقای دکتر بازرگان مطالعات مربوط به ارزیابی درونی را در نظام آموزش عالی کشور انجام داده است که پژوهشگر تلاش نموده در این رابطه ضمن بهره‌گیری از بررسی و مطالعه فوق این مطالعه را تا سال ۲۰۰۷ ادامه دهد.

ب) پیشینه پژوهش در جهان

پژوهشها نشان می‌دهد که نظامهای ارزیابی متعددی در جهان وجود دارد که به لحاظ گستردگی نظامهای ارزیابی در کشورهای مختلف جهان، پژوهشگر تلاش نموده تا در سطح جهان براساس طبقه‌بندی قاره‌ای از هر قاره نمونه‌هایی انتخاب و مورد بررسی قرار دهد که در ذیل به این کشورها اشاره گردیده است. نکته مهم این بود که هر کدام از این کشورها با توجه به ارزشهای حاکم، از نظام خاصی برای ارزیابی آموزش عالی استفاده نموده است.

ورتن و همکاران در کتاب برنامه ارزیابی اولین حرکت‌های ارزشیابی در نظام آموزش عالی را در دهه ۱۸۰۰ بدنبال عدم موفقیت برنامه‌های آموزشی و اجتماعی در بریتانیای کبیر می‌دانند. شروع ارزیابی در آمریکا نیز از اواخر سال ۱۸۰۰، توسط آژانس‌های اعتباربخشی ملی و منطقه‌ای جهت آموزش و پرورش در ایالات متحده و در دانشگاه بوستون کمیته امتحانات رسمی (چاپی) در ۱۸۴۵ و ۱۸۴۶ در چند موضوع خاص برای مقایسه دانشکده‌ها بکار رفت. در سیستم آموزشی اروپای غربی تجارب سازمان یافته بعد از این تاریخ می‌باشد.

بیژو^۱ (۱۹۹۴) اظهار می‌دارد: در کشورهای اروپای مرکزی و کشورهای (مانند رومانی) ۸ مؤلفه (عامل) به عنوان استاندارد یا معیار جهت ارزیابی کیفیت دانشگاهها کاربرد دارد. این عوامل شامل:

۱- اهداف و ساختار

۲- بودجه و سازمان‌بندی

۳- برنامه‌های آموزشی

۴- مدیریت

۵- آموزش‌های ضروری
۶- تسهیلات حمایتی از قبیل کتابخانه، آزمایشگاهها، کامپیوتر
۷- منابع کالبدی مؤسسه
۸- منابع مالی است.
در برخی از کشورهای آسیایی از جمله کره جنوبی، طبقات عمده جهت تعیین شاخص‌های عملکردی و نهایتاً ارزشیابی دانشگاه شامل عواملی از جمله:

۱- اهداف عینی

۲- برنامه‌های درسی

۳- تسهیلات و امکانات مؤسسه

۴- مدیریت

۵- امور مالی می‌باشد.

از جمله تجربه‌های قابل توجه در سایر کشورها، تشکیل «نهاد کیفیت دانشگاههای استرالیا»^۲ است. این نهاد در سال ۲۰۰۱ میلادی تأسیس شد و از همان سال کوشش‌های آزمایشی خود را برای بهبود کیفیت از طریق ممیزی دانشگاههای استرالیا آغاز کرده (Woodhouse 2003). اما کشور آسیایی مالزی، در سال ۲۰۰۱ میلادی تنها به تأسیس بخش تضمین کیفیت دانشگاههای دولتی به عنوان یک واحد سازمانی در وزارت آموزش اقدام کرده است. در میان کشورهای آمریکای جنوبی، تجربه آرژانتین قابل ذکر است. این کشور در سال ۱۹۹۶ میلادی «کمیسیون ملی ارزیابی و اعتبارسنجی» را به وجود آورد و مسئولیت بخش کیفیت و قضاوت را به آن محول کرد. همچنین در شیلی، «کمیسیون ملی اعتبارسنجی» در سال ۱۹۹۹ میلادی تأسیس شد.

قاره اروپا	قاره آمریکا	قاره آسیا	قاره اقیانوسیه	قاره آفریقا
انگلیس	کلمبیا	کره جنوبی	استرالیا	آفریقای جنوبی
هلند		هند		
فنلاند				
رومانی				

مفهوم ارزیابی ۳۶۰ درجه‌ای

مفهوم ارزیابی ۳۶۰ درجه‌ای بر اساس مطالعات تطبیقی جامع در خصوص مفهوم ارزیابی ۳۶۰ درجه به شرح ذیل آورده شده است:

ارزیابی ۳۶۰ درجه‌ای: به رویکرد ارزیابی عملکرد اطلاق می‌گردد که بر داده‌های جمع‌آوری شده از سرپرستان، همکاران، زیردستان، مشتریان و عرضه‌کنندگان تکیه دارد (Maccarte, 2001).

ارزیابی ۳۶۰ درجه‌ای یا ارزیابی چندمنبعی در سال ۱۹۸۰ در سازمانها رواج یافت و به عنوان یک ابزار توسعه، به طور گسترده استفاده شد به طوری که این ارزیابی در طی مدت کوتاهی (۱۹۹۰) به دلیل نتایج مطلوب به عنوان بهترین روش و بهترین شیوه ارزیابی شناخته شد. ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای یا واکنش چندارزیابی، توسط ۹۰ درصد از کمپانیهای موفق سال انجام شده است. (Carruthers, 2003)

این روش به عنوان یک ابزار ارزشیابی عملی بسیار مؤثر و کارآمد، شناخته شده اما هنوز هم بسیاری از افراد به مزایای آن اطمینان ندارند. عمده ترین فواید این ارزیابی به نظر در کاهش تعصبات فردی و اشتباه در قضاوت کار، بهبودی در دقت و شایستگی در ارزیابی کار و ارتباط بهتر در تمام مراحل در بحث کار ناشی می‌شود.

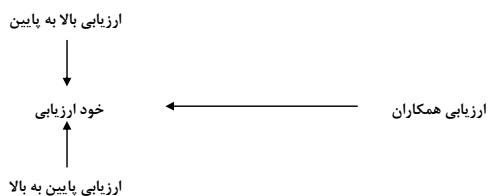
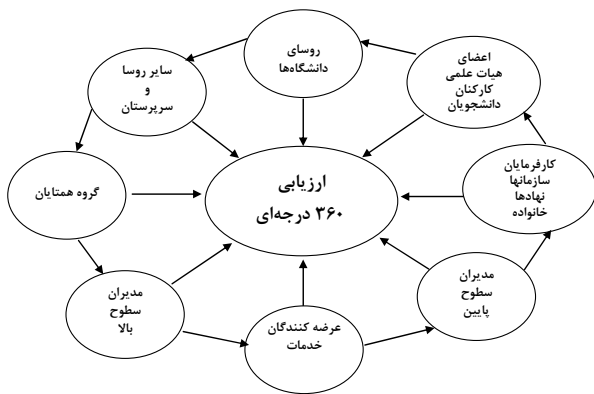
Twymon, 1997 : Sullivan, 2000 : Sellas, 1997 :
Bracken & Chhurch, 1998-2001, Khon-Bentley & Bentley, 1997

از سوی دیگر دلیل اصلی کاربرد کامل این ارزشیابی محرمانه‌آشنایی کارمندان با اطلاعات مربوط به عملکرد او از چندین بعد می‌باشد. در این ارزشیابی کارمندان می‌تواند برای توسعه و تکامل خود، اهدافی را تنظیم نماید که حرفه و کار او را بهبود بخشیده و به سازمان سود می‌رساند. در ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای کارمندان مرکز فرایند ارزشیابی بوده و هدف نهایی بهبود و توسعه عملکرد فردی در سازمان می‌باشد. تحت شرایط ایده‌آل، ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای، به عنوان یک ارزیابی برای تکامل فردی بیش از ارزیابی تنها به کار می‌رود. متأسفانه همه شرایط ایده‌آل نیستند.

مراحل فرایند ارزیابی ۳۶۰ درجه‌ای

۱. انتخاب ابزار جمع‌آوری داده
۲. تعیین هدف بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای
۳. تصمیم‌گیری در زمینه موارد
۴. تصمیم‌گیری در مورد دریافت‌کنندگان بازخور
۵. پرورش ارزیابی‌کنندگان و ارزیابی‌شوندگان
۶. دریافت‌کنندگان بازخور، ارزیابی‌کنندگان را انتخاب می‌کنند
۷. توزیع پرسشنامه
۸. تحلیل اطلاعات بازخورد
۹. بازخورد دادن بازخورد
۱۰. پیگیری اجرای فرایند
۱۱. تکرار فرایند

نمودار منابع ارزیابی بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای



دارد، در حالی که رویکرد بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای شامل چندین منبع است، بنابراین جامعتر از رهیافت سنتی است.

بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای، در بسیاری از این منابع با بازخورد چندمنبعی مشترک است. این فرایند نیز دارای چهار عنصر اصلی است.

سوالات پژوهش

۱. انواع نظام های ارزیابی آموزش عالی در جهان کدامند؟
۲. با توجه به نظام‌های مستخرجه از نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان، وضعیت نظام ارزیابی آموزش عالی کشور چگونه است؟
۳. چه مدلی را می‌توان برای نظام ارزیابی آموزش عالی کشور ارائه داد؟
۴. درجه تناسب مدل پیشنهادی از نظر صاحب‌نظران، هیأت علمی و مدیران ارشد دانشگاهها به چه میزان است؟

ارزیابی همکاران

۱. ارزیابی بالا به پایین
 ۲. ارزیابی پایین به بالا
 ۳. بازخورد همکاران
 ۴. معرفی همکاران
 ۵. رتبه‌بندی همکاران
 ۶. خود ارزیابی
- مهمترین تفاوت بین ارزیابی سنتی و بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای اینست که رهیافت سنتی تنها یک منبع ارزیابی

جدول مقایسه رهیافت سنتی ارزیابی و بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای (مک کارتی، ۲۰۰۱)

معیار	رهیافت سنتی	رهیافت بازخورد ۳۶۰ درجه‌ای
هدف	بازخورد عملکرد را براساس نیازهای توسعه رفتار و عملکرد از دیدگاههای مختلف، فراهم می‌کند.	بازخورد براساس عملکرد گذشته ارائه می‌شود.
منابع اطلاعات	مدیر / سرپرست	ارزیابی‌کنندگان چندگانه: همکاران، زیردستان، خود فرد، مشتریان، عرضه‌کنندگان، گزارشهای سطوح بالا و پایین
شناخته بودن ارزیابی‌کنندگان	بازخورد بدون نام	بازخورد به وسیله گروه ارزیاب جمع‌آوری می‌شود، بازخورد فردی برای دریافت‌کنندگان ناشناس است.
محتوای بازخورد	گزارشات در مورد عملکرد، بر نتایج واحد کاری مبتنی است.	گزارشات در مورد رفتار براساس عملکرد واحد کاری و ابعاد توسعه (بالندگی) صورت می‌گیرد.
روشهای ارزیابی	مقیاسهای ارزیابی: مقیاسهای لیکرت و ارکان رفتاری با پژوهشهای کیفی ترکیب می‌شود.	مقیاسهای ارزیابی: مقیاسهای لیکرت؛ اکثر فرایندهای ۳۶۰ درجه‌ای تنها داده‌های کمی جمع می‌کنند.
ارتباط با سایر تصمیمات مدیریت منابع انسانی	ارزیابی عملکرد اغلب با پرداخت، پاداش، ارتقا، طراحی شغل، انتقالات، آموزش و توسعه در ارتباط است.	تنها در زمینه تعیین نیازهای آموزشی و توسعه و همچنین در زمینه بررسی مباحث مسیر شغلی کاربرد دارد.
نقطه تمرکز	تمرکز بر ارزیابی افراد، پذیرش تصمیمات مدیران، اختیار بالا به پایین	تمرکز بر توسعه افراد (به جای ارزیابی آنها) خودارزیابی، خودآگاهی. بازخورد چنددیدگاهی، تمرکز بر تساوای بیشتر

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، ماهیت موضوع مورد بررسی، هدف، ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها، شیوه انتخاب و دستیابی به جامعه آماری و زیرگروه‌های آن و نیز آزمودنیها، از انواع توصیفی-پیمایشی است. در این روش هدف محقق گزارش روابط میان رویدادها و پدیده‌ها بدون هرگونه دخالت یا استنتاج ذهنی است. با توجه به جامعه آماری و شیوه دستیابی پژوهشگر از روش توصیفی - پیمایشی به مدد آمار استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA) و تحلیل عاملی و ضریب همبستگی استفاده شده است. برای دسترسی به جامعه آماری و زیرگروه‌های آن به روش زیر اقدام شده است.

الف: با مراجعه به فهرست دانشگاه‌های دولتی و مناطق یازده‌گانه دانشگاه آزاد اسلامی، تعداد واحدهای دانشگاهی اعم از دولتی و آزاد محاسبه و استخراج گردید.

ب: حجم نمونه آماری به نسبت میان گروه‌های چهارگانه ذیل تقسیم گردید در این تقسیم‌بندی تلاش بر آن بود که حجم هیچ زیرگروهی از سی نفر کمتر نباشد. در این

محاسبه نسبت ریزش (attrition) نیز به میزان ۱۰٪ در نظر گرفته شد.

ج: تعداد هر یک از زیرگروه‌ها به نسبت تعداد دانشگاه‌های انتخاب شده (دولتی و آزاد) بصورت تصادفی پرسشنامه‌های ارسالی برای هر زیرگروه در هر یک از دانشگاه‌ها مشخص گردید.

د: با استفاده از جدول اعداد اتفاقی از بین دانشگاه‌های موجود (دولتی-آزاد) تعداد دانشگاه‌های لازم انتخاب شدند.

ه: پس از هماهنگی‌های صورت گرفته، پرسشنامه‌های هر زیرگروه به واحدهای دانشگاهی منتخب ارسال و تکمیل و سپس عودت شدند، که پس از آن داده‌های هر پرسشنامه مورد بررسی، استخراج و طبقه‌بندی به منظور تحلیل آماری قرار گرفته است که در جدول ذیل زیر گروه‌های آماری به تفکیک بر اساس جنسیت و مدرک تحصیلی آورده شده است. پس از آشنایی اجمالی با جامعه آماری و نحوه نمونه‌گیری یافته‌های مربوط به سوالات پژوهش به شرح ذیل آورده می‌شود.

جدول زیرگروه‌های آماری براساس جنسیت و مدرک تحصیلی

ردیف	زیرگروه‌های آماری	جنسیت	مدرک تحصیلی		
			لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
۱	رؤسای دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی	زن	-	-	۳
		مرد		۱۳	۵۷
۲	معاون آموزشی	زن	-	۷	۴
		مرد	-	۱۱	۳۶
۳	اعضای هیأت علمی	زن	-	۳۳	۲۹
		مرد	-	۴۱	۵۰
۴	متخصصان آموزش عالی	زن	۳	۱۱	۵
		مرد	۵	۴۶	۳۰
			۸	۱۶۲	۲۱۴
					۳۸۴

یافته‌های پژوهش در خصوص سوال اول

۱- انواع نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان کدامند؟ پژوهشگر به مدد پیشینه ادبیات تحقیق و مبانی نظری ۱۸ نوع نظام ارزیابی را در آموزش عالی جهان به شرح ذیل شناسایی نمود.

۱. نظام ارزیابی مکانیکی درجه‌ای
۲. نظام ارزیابی ارگانیکی
۳. نظام ارزیابی بر اساس ارتقاء کیفی جامع بیرونی
۴. نظام ارزیابی سیستمی
۵. نظام ارزیابی مجازی جامع
۶. نظام ارزیابی عملکردی دشواری
۷. نظام ارزیابی بالینی (کلینیکی)
۸. نظام ارزیابی حمایتی دور
۹. نظام ارزیابی تلفیقی
۱۰. نظام ارزیابی ۳۶۰
۱۱. نظام ارزیابی داخلی
۱۲. نظام ارزیابی بیرونی
۱۳. نظام فرا ارزشیابی
۱۴. نظام ارزشیابی منسجم
۱۵. نظام ارزشیابی بر اساس دشواری
۱۶. نظام فرا ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای
۱۷. نظام ارزیابی از راه دور
۱۸. نظام اعتباربخشی آموزش عالی

یافته‌های پژوهش در خصوص سوال دوم

با توجه به نظام‌های مستخرجه از نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان وضعیت نظام ارزیابی آموزش عالی کشور چگونه است؟

با عنایت به شناسایی ۱۸ نوع نظام ارزیابی مستخرجه از ادبیات و پیشینه تحقیق، جهت تعیین وضعیت موجود و همچنین جهت تعیین مناسب‌ترین نوع نظام ارزیابی برای آموزش عالی کشور، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۸ نوع نظام مستخرجه براساس مقیاس لیکرت (بین ۱ تا ۵ برای هر سوال امتیازبندی گردید) تدوین و بین ۴۰ نفر از افراد صاحب‌نظر در امر ارزیابی توزیع گردید. سپس اطلاعات حاصله توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد که وضعیت موجود و وضع مطلوب نظام ارزیابی آموزش عالی کشور به شرح جداول ذیل تعیین گردید. لازم به ذکر است که میانگین نمره منتسب به ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای از ۴/۹۷۵ از ۵ حاصل گردید که بیشترین مقدار در بین سایر نظام‌ها ارزیابی می‌باشد.

در خصوص وضعیت موجود نظام ارزیابی آموزش عالی شش نوع نظام ارزیابی منتخب (مکانیکی، براساس دشواری، داخلی، بیرونی، ارتقای کیفی جامع و بالینی) شناسایی گردید که از نظر صاحب‌نظران و متخصصان آموزش عالی در حال حاضر این شش نوع نظام در آموزش عالی کشور کارآیی دارد.

جدول توزیع فراوانی انواع نظام ارزیابی براساس وضع موجود

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	انواع ارزیابی
۱/۲۳	۴/۸۵	۵	۱	۴۰	ارزیابی مکانیکی
۱/۲۳	۴/۵۸۵	۵	۱	۴۰	ارزیابی براساس دشواری
۱/۰۵۷۳	۴/۳۲۶	۵	۲	۴۰	ارزیابی داخلی
۰/۷۳۵۵	۴/۱۵۰	۵	۲	۴۰	ارزیابی بیرونی
۱/۲۴۴	۳/۸۷۵	۵	۱	۴۰	ارزیابی ارتقاء کیفی جامع
۱/۲۳۶۲	۳/۶۹	۵	۱	۴۰	ارزیابی بالینی
				۴۰	تعداد

جدول: توزیع فراوانی ارزیابی نظام های ارزیابی براساس وضع مطلوب

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	انواع ارزیابی
۰/۱۵۸۱	۴/۹۷۵۰	۵	۴	۴۰	ارزیابی ۳۶۰ درجه ای
۰/۳۳۴۹	۴/۸۷۵۰	۵	۴	۴۰	ارزیابی سیستمی
۰/۴۲۶۷	۴/۸۵۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی عملکردی
۰/۳۶۱۶	۴/۸۵۰۰	۵	۴	۴۰	ارزیابی مکانیکی
۰/۴۴۶۵	۴/۸۲۵۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی از راه دور
۰/۴۴۶۵	۴/۸۲۵۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی تلفیقی
۰/۴۶۴۱	۴/۸۰۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی براساس دشواری
۰/۴۶۴۱	۴/۸۰۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی فرا ارزشیابی ۳۶۰ درجه ای
۰/۵۸۸۳	۴/۷۵۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی اعتبار بخشی آموزش عالی
۰/۴۹۳۵	۴/۷۵۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی ارتقاء کیفی جامع
۰/۴۶۴۱	۴/۷۰۰۰	۵	۴	۴۰	ارزیابی ارگانیکی
۰/۵۶۳۹	۴/۷۰۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی حمایتی
۰/۶۸۶۹	۴/۷۰۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی داخلی
۰/۴۶۴۱	۴/۷۰۰۰	۵	۴	۴۰	ارزیابی بیرونی
۰/۶۷۱۸	۴/۶۰۰۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی فرا ارزشیابی
۰/۶۶۷۵	۴/۶۲۵۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی مجازی
۰/۷۱۵۷	۴/۵۲۵۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی منسجم و جامع
۰/۷۲۹۹	۴/۳۲۵۰	۵	۳	۴۰	ارزیابی بالینی
				۴۰	تعداد

یافته های پژوهشی در خصوص سوال سوم

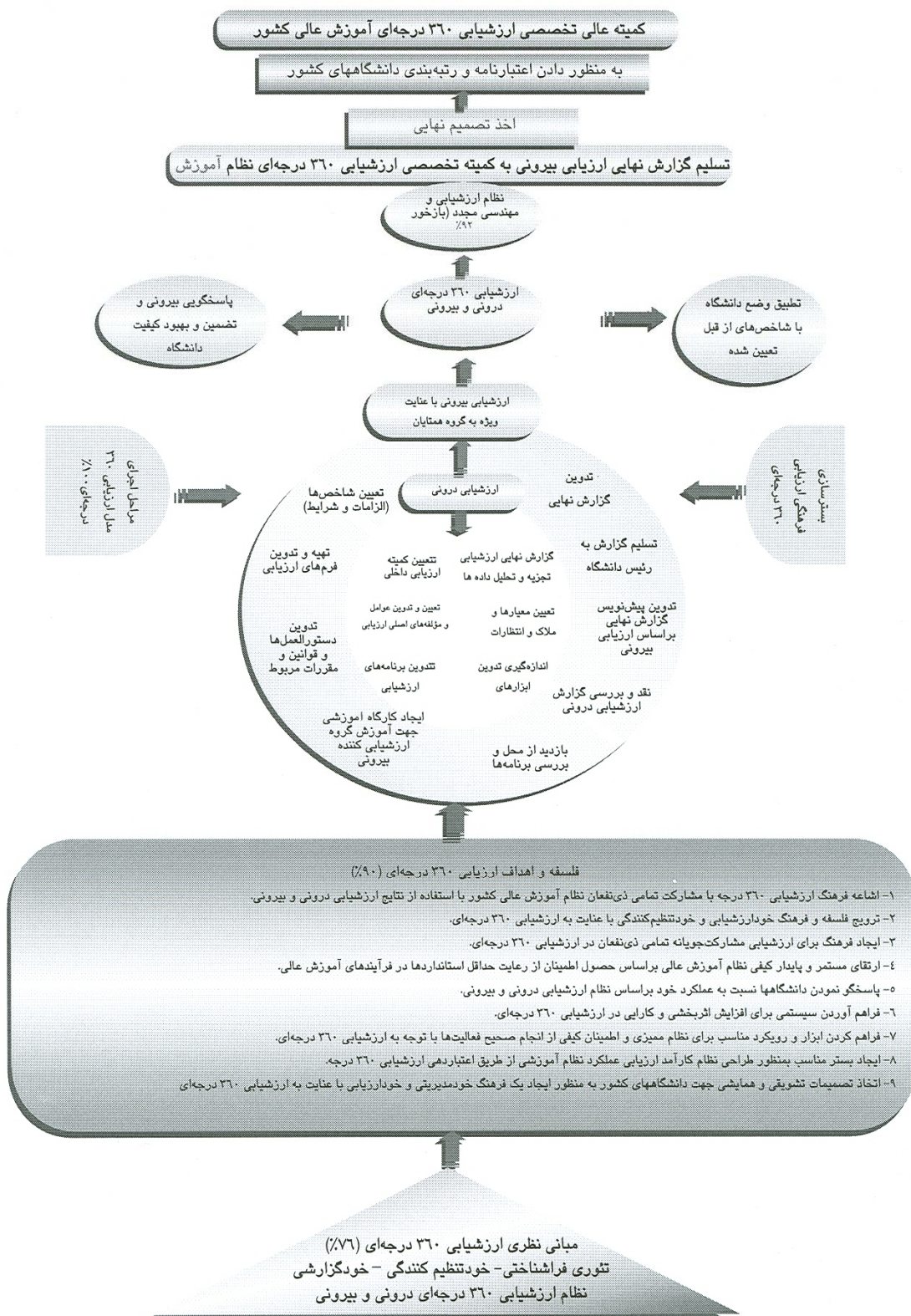
چه مدلی را می توان برای نظام ارزیابی آموزش عالی کشور ارائه داد؟

پژوهشگر براساس مطالعات پیشینه تحقیق و کار میدانی مدلی را پیشنهاد کرد که شامل فلسفه و اهداف، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرای نظام ارزشیابی مجدد که این کار انحصاری بوده که پژوهشگر انجام داده است.

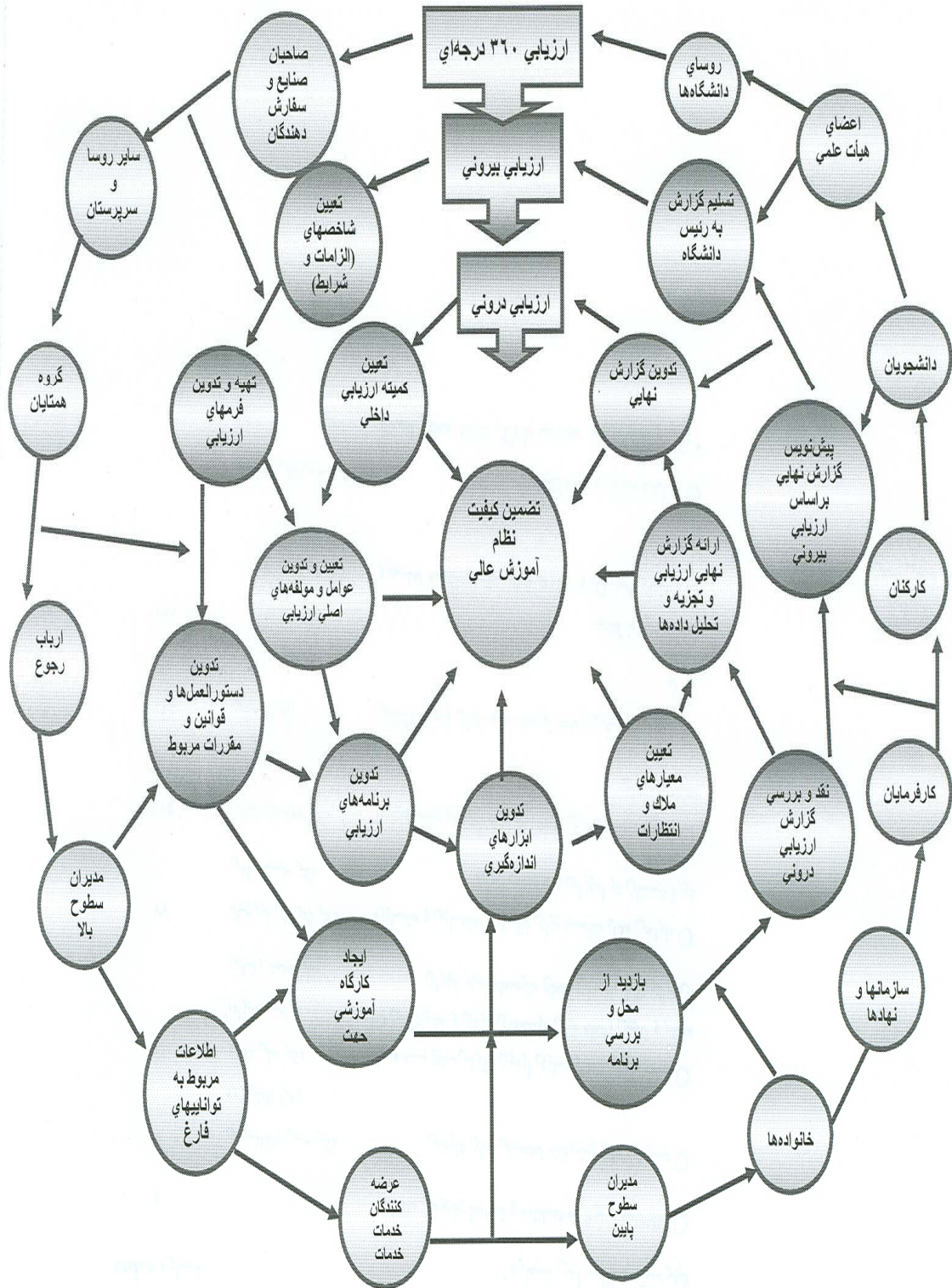
همانطوریکه ملاحظه می فرمایید پژوهشگر به کمک متخصصان آموزش عالی کشور ارزیابی ۳۶۰ درجه ای را به عنوان مناسب ترین مدل برای آموزش عالی کشور انتخاب نموده است. در حقیقت مدل پیشنهادی، ارزیابی ۳۶۰ درجه ای است که مشتمل بر ارزیابی درونی و بیرونی است که از فرد شروع می شود و به فرد هم ختم می گردد.

با عنایت به نتایج بدست آمده پژوهشگر ارزشیابی ۳۶۰ درجه ای را بعنوان نظام ارزیابی مناسب و مطلوب جهت ارزیابی نظام آموزش عالی کشور براساس مطالعات انجام شده و پیشینه و ادبیات تحقیق و مبانی نظری و همچنین فراوانی اجرای این مدل در بسیاری از کشورهای جهان و این که الگوی مطلوبی از نظر متخصصان ارزیابی آموزش عالی کشور بود و با توجه به ویژگی های انواع مختلف نظام های ارزیابی مستخرجه، نظام ارزیابی ۳۶۰ درجه ای به دلیل نتایج جامعه و اثربخشی آن در کشورهای جهان و استقبال روزافزون از این نوع ارزیابی آن را به عنوان مهمترین نوع ارزیابی برای آموزش عالی کشور به دلیل هماهنگی آن با فرهنگ و ساختار نظام آموزشی کشور در نظر گرفته است. بنابراین مبنای مدل ارائه شده در این پژوهش ارزیابی ۳۶۰ درجه ای می باشد.

مدل پیشنهادی ارزشیابی نظام آموزش عالی کشور بر مبنای ارزیابی ۳۶۰ درجه درونی و بیرونی ۹۳٪



چارچوب اداری چرخه ارزیابی ۳۶۰ درجه ای :



جدول توزیع فراوانی نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون فلسفه و اهداف

ردیف	فلسفه و اهداف	کاملاً مناسب		مناسب		تاحدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	اشاعه ارزشیابی ۳۶۰ درجه با مشارکت ذی‌نفعان	۲۴/۲	۹۳	۵۰	۱۹۲	۶۵	۱۶/۹	۳۴	۸/۹	۰	۰
۲	ترویج فلسفه و فرهنگ خودارزشیابی و خودتنظیم‌کنندگی	۳۲/۸	۱۲۶	۴۶/۱	۱۷۷	۶۴	۱۶/۷	۱۷	۴/۴	۰	۰
۳	ایجاد فرهنگ برای ارزشیابی مشارکت‌جویانه	۳۳/۸	۱۳۰	۵۴/۲	۲۰۸	۴۶	۱۲	۰	۰	۰	۰
۴	ارتقای مستمر و پایدار کیفی نظام آموزش عالی	۳۷/۲	۱۴۳	۴۷/۹	۱۸۳	۵۷	۱۴/۹	۰	۰	۰	۰
۵	پاسخگو نمودن واحدهای دانشگاهی	۴۰/۱	۱۵۴	۴۵/۴	۱۷۵	۳۷	۹/۸	۱۸	۴/۷	۰	۰
۶	فراهم آوردن سیستمی برای افزایش میزان اثربخشی کارایی	۳۹/۸	۱۵۳	۴۶/۱	۱۷۷	۴۴	۱۱/۴	۱۰	۲/۷	۰	۰
۷	فراهم کردن ابزار و رویکرد مناسب برای نظام ممیزی و اطمینان کیفی	۳۵/۱	۱۳۵	۵۲/۹	۲۰۳	۴۶	۱۲	۰	۰	۰	۰
۸	ایجاد بستر مناسب به منظور طراحی نظام کارآمد ارزیابی	۳۸/۹	۱۴۹	۴۲/۷	۱۶۴	۷۱	۱۸/۴	۰	۰	۰	۰
۹	اتخاذ تصمیمات تشویقی و حمایتی جهت دانشگاه‌های کشور به منظور ایجاد یک فرهنگ خودمدیریتی و خودارزیابی	۳۲/۳	۱۲۴	۵۰	۱۹۲	۵۴	۱۴/۱	۱۴	۳/۶	۰	۰
۱۰	بطور کل فلسفه و اهداف	۳۲/۳	۱۲۶	۴۶/۱	۱۷۷	۶۴	۱۶/۸	۱۷	۴/۴	۰	۰

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به فلسفه و اهداف

کمک به تحقق اشاعه ارزشیابی ۳۶۰ درجه با مشارکت تمامی ذی‌نفعان، ترویج فلسفه و فرهنگ خودارزشیابی و خودتنظیم‌کنندگی، ایجاد فرهنگ برای ارزشیابی مشارکت‌جویانه، ارتقای مستمر و پایدار کیفی نظام آموزش عالی، پاسخگو نمودن واحدهای دانشگاهی، فراهم آوردن سیستمی برای افزایش میزان اثربخشی و کارایی، فراهم کردن ابزار و رویکرد مناسب برای نظام ممیزی و اطمینان

کیفی، ایجاد بستر مناسب به منظور طراحی نظام کارآمد ارزیابی و اتخاذ تصمیمات تشویقی و حمایتی جهت دانشگاه‌های کشور به منظور ایجاد یک فرهنگ خودمدیریتی و خودارزیابی فلسفه و اهدافی است که در مدل پیشنهادی برای نظام آموزش عالی کشور پیش‌بینی است. با توجه به جدول فوق در مجموع ۷۸/۴ درصد سطح کاملاً مناسب و مناسب را انتخاب کرده‌اند.

جدول توزیع فراوانی نظرات پاسخ دهندگان پیرامون مبانی نظری

ردیف	مبانی نظری	کاملاً مناسب		مناسب		تاحدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	تئوری فراشناختی در نظام ارزشیابی	۳۳/۹	۱۳۰	۵۴/۱	۲۰۸	۴۶	۱۲	۰	۰	۰	۰
۲	تئوری ارزشیابی ۳۶۰ درجه که تمامی عناصر در یک دایره قرار گرفته و در امر ارزشیابی مشارکت می نمایند.	۳۷/۳	۱۴۳	۴۴/۵	۱۷۱	۷۰	۱۸/۲	۰	۰	۰	۰
۳	تئوری ارزشیابی بیرونی با عنایت ویژه به گروه همتایان	۳۱/۵	۱۲۱	۵۰	۱۹۲	۴۹	۱۲/۸	۵/۷	۲۲	۰	۰
۴	تئوری های اعتبارسنجی کلاسیک (سنتی) و مجازی (ماورای زمان، زبان و مکان)	۳۸/۱	۱۴۶	۴۶/۱	۱۷۷	۴۴	۱۱/۴	۴/۴	۱۷	۰	۰
۵	تئوری کیفیت فراگیر و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی کشور در سطح ملی	۳۷/۳	۱۴۳	۵۰/۷	۱۹۵	۶۷	۱۲	۰	۰	۰	۰
۶	ایجاد توازن بین پاسخگویی بیرونی و استقلال دانشگاهها از طریق تئوری اعتبارسنجی	۳۷/۳	۱۴۳	۴۵/۳	۱۷۴	۶۷	۱۷/۴	۰	۰	۰	۰
۷	به طور کل مبانی نظری مدل	۲۸/۹	۱۱۱	۵۰	۱۹۲	۵۵	۱۴/۳۲	۶/۷	۲۶	۰	۰

تجزیه و تحلیل داده های مربوط به مبانی نظری

تئوری فراشناختی، تئوری ارزشیابی ۳۶۰ درجه که تمامی عناصر در یک دایره قرار گرفته و در امر ارزشیابی مشارکت می نمایند، تئوری ارزشیابی بیرونی با عنایت ویژه به گروه همتایان، تئوری های اعتبارسنجی کلاسیک و مجازی، تئوری کیفیت فراگیر و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی کشور، ایجاد توازن بین پاسخگویی بیرونی و استقلال

دانشگاهها از طریق تئوری اعتبارسنجی مبانی نظری است که در مدل پیشنهادی برای نظام آموزش عالی کشور پیش بینی شده است بنابراین نتایج بدست آمده نشان می دهد که ۷۸/۹ درصد از پاسخ دهندگان سطح کاملاً مناسب و مناسب و ۱۴/۳۲ درصد تا حدودی مناسب را انتخاب کرده که در مجموع کل مبانی نظری با ۹۳/۲۳ درصد مورد تأیید قرار گرفت.

جدول توزیع فراوانی نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون مراحل اجرای مدل

ردیف	مراحل اجرای چارچوب	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نا مناسب		کاملاً نامناسب	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱	ایجاد مرکزی همراه با تشکیل...	۲۹/۴	۱۱۳	۴۴/۵	۱۷۱	۱۴/۶	۵۶	۸/۳	۳۲	۳/۲	۱۲
۲	ایجاد وحدت رویه به منظور...	۲۷/۸	۱۰۷	۴۷/۱	۱۸۱	۱۹/۷	۷۶	۵/۲	۲۰	-	-
۳	برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی و...	۳۳/۱	۱۲۷	۵۳/۱	۲۰۴	۱۳/۵	۵۲	۰/۳	۱	-	-
۴	اجرای آزمایشی چارچوب پیشنهادی...	۳۹/۵	۱۵۲	۴۳/۶	۱۶۷	۱۶/۹	۶۵	-	-	-	-
۵	تجزیه و تحلیل گزارشات مربوط به...	۲۸/۹	۱۱۱	۴۹/۵	۱۹۰	۱۷/۴	۶۷	۴/۱	۱۶	-	-
۶	اعمال اصلاحات لازم پس از اجرای...	۲۸/۱	۱۰۸	۴۷/۱	۱۸۱	۲۱/۸	۸۴	۲/۸۶	۱۱	-	-
۷	اجرای نهایی چارچوب در...	۳۳/۱	۱۲۷	۵۳/۱	۲۰۴	۱۳/۵	۵۲	۰/۳	۱	-	-
۸	تعمیم نتایج کسب شده از اعتباردهی...	۴۰/۹	۱۵۷	۴۶	۱۷۷	۱۳/۲	۵۱	-	-	-	-
۹	به طور کل	۳۷/۲	۱۴۳	۴۴	۱۶۹	۱۸/۷	۷۲	-	-	-	-

تجزیه و تحلیل داده‌های پیرامون مراحل اجرای مدل:

با توجه به نمودار فوق ۳۷/۲ درصد پاسخ‌دهندگان کاملاً مناسب، ۴۴ درصد مناسب را برای مراحل اجرای مدل انتخاب کرده از مجموعه کل مراحل اجرای مدل با ۸۱/۲ درصد از نظر نمونه آماری کاملاً مناسب و مناسب را انتخاب نموده‌اند.

جدول توزیع فراوانی نظرات پاسخ دهندگان پیرامون نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد

ردیف	نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد	کاملاً مناسب		مناسب		تاحدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	بازنگری ادواری در هنگام ارزشیابی درونی و گزارش آن...	۱۳۶	۳۵/۴	۱۷۷	۴۶/۲	۵۴	۱۴	۱۷	۴/۴	۰	۰
۲	بازنگری ادواری در هنگام ارزشیابی بیرونی و گزارش آن به بانک اطلاعاتی ذیربط	۱۴۲	۳۶/۹	۱۹۸	۵۱/۵	۴۴	۱۱/۴	۰	۰	۰	۰
۳	تجدیدنظر و بازنگری در ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای درونی و بیرونی	۱۳۸	۳۵/۹	۱۶۴	۴۲/۷	۸۲	۲۱/۳	۰	۰	۰	۰
۴	جمع‌آوری بازخوردها از نتایج اعتباردهی در بانک اطلاعات	۱۲۴	۳۲/۲	۱۹۲	۵۰	۵۲	۱۳/۵	۱۸	۴/۳	۰	۰
۵	مهندسی مجدد عناصر و کل مدل هر ۵ سال یکبار به منظور کیفی‌سازی آن با توجه به تغییرات و تحولات ...	۱۲۸	۳۳/۳	۱۷۷	۴۶/۱	۶۲	۱۶/۲	۱۷	۴/۴	۰	۰
۶	به طور کلی نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد	۱۳۰	۳۳/۹	۲۰۸	۵۴/۱	۴۶	۱۲	۰	۰	۰	۰

یافته‌های پژوهش در خصوص سوال ۴

درجه تناسب مدل پیشنهادی از نظر صاحب‌نظران، هیئت علمی و مدیران ارشد دانشگاهها به چه میزان است؟ شمای مدل پیشنهادی پژوهشگر در بخش‌های تعاملی فلسفه و اهداف، مبانی نظری، فرآیند ارزشیابی و مهندسی مجدد و مراحل اجرای مدل نشان داده شده است که میزان درجه مناسب مدل پیشنهادی از نظر رؤسای دانشگاهها، متخصصان آموزش عالی، معاونین آموزشی دانشگاهها و اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی و آزاد به شرح زیر تعیین شده است:

- درجه تناسب بخش فلسفه اهداف از نظر افراد فوق با میانگین ۳/۷۵۰۰ از ۵ تعیین شد.

- درجه تناسب بخش مبانی نظری از نظر گروههای فوق‌الذکر با میانگین ۴/۲۱۸۸ از ۵ تعیین گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد

بازنگری ادواری در هنگام ارزشیابی درونی و گزارش آن به بانک اطلاعاتی ذیربط، بازنگری ادواری در هنگام ارزشیابی بیرونی و گزارش آن به بانک اطلاعاتی ذیربط، تجدیدنظر و بازنگری در ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای درونی و بیرونی، جمع‌آوری بازخوردها از نتایج اعتباردهی در بانک اطلاعاتی، مهندسی مجدد عناصر و کل مدل هر ۵ سال یکبار به منظور کیفی‌سازی آن با توجه به تغییرات و تحولات نظام آموزش عالی در جهان و کشور نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد است که در مدل پیشنهادی برای نظام آموزش عالی کشور پیش‌بینی شده است. همچنین نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ۸۸ درصد پاسخ دهندگان سطح کاملاً مناسب و مناسب را انتخاب کرده اند.

کمترین امتیاز را داده‌اند و در کل با ۶۴/۱ درصد مدل پیشنهادی را مورد تأیید خویش قرار دادند. لازم به ذکر است که اهداف و فلسفه مدل که مهمترین مؤلفه‌های مدل پیشنهادی می‌باشد از نظر رؤسای دانشگاهها، متخصصان آموزش عالی و اعضای هیأت علمی امتیاز بسیار مناسبی را کسب نموده است. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده مدل پیشنهادی از درجه تناسب بالایی (۰/۹۳) برخوردار بوده است. اما می‌توان با اصلاحاتی در برخی مؤلفه‌ها این درجه تناسب را افزایش داد. گرچه اختلاف امتیازات موجود عمدتاً از نظر آماری معنادار نبوده است، ولی بطور کلی می‌توان نتیجه گرفت که متخصصان آموزش عالی درجه توافق بالاتری نسبت به مؤلفه‌های مختلف مدل پیشنهادی نشان داده‌اند. و این مسأله حائز اهمیت بوده زیرا در مرحله ارزشیابی درونی (خودارزشیابی) توجه به بسترسازی فرهنگی به منظور توجه عمیق و مقبولیت موضوع در بین گروههای مورد نظر مورد نیاز جدی می‌باشد.

پیشنهادها و توصیه های کاربردی

۱. با توجه به اهمیت مؤلفه‌ها و تأیید مدل پیشنهادی از سوی جامعه آماری پیشنهاد می‌شود کمیته تخصصی ارزشیابی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل و جایگاه و منزلت قانونی آن بصورت شفاف نهادینه گردد.
۲. با توجه به تأیید مؤلفه‌های اصلی توسط جامعه آماری شامل فلسفه و اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد تلاش شود تا زمینه اجرای آن در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم گردد.
۳. با توجه به اهمیت مؤلفه‌های اصلی در این پژوهش ضروری است شورای عالی انقلاب فرهنگی با کمک مسئولین ارشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به مسأله تدوین شاخص‌های مدون ارزشیابی توجه ویژه‌ای نماید و با تشکیل کمیته‌های تخصصی ارزشیابی باعث افزایش اطمینان از کیفیت انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاهها شود و از اتلاف منابع مادر، مالی و انسانی جلوگیری نماید.

- درجه تناسب بخش مراحل اجرای مدل از نظر چهار گروه فوق با میانگین ۴/۰۱۸۲ از ۵ تعیین گردید.
 - درجه تناسب بخش فرآیند ارزشیابی و مهندسی مجدد از نظر گروههای فوق‌الذکر با میانگین ۴/۰۱۸۲ از ۵ تعیین شده است.
 - درجه تناسب کل مدل پیشنهادی از نظر رؤسای دانشگاهها، متخصصان آموزش عالی، معاونین آموزشی و اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی و آزاد ۳/۹۶ از ۵ تعیین گردیده است.
 در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده مدل پیشنهادی از درجه تناسب بالایی (۰/۹۳) برخوردار بوده است که می‌توان با انجام اصلاحاتی در برخی از مؤلفه‌ها این درجه تناسب را افزایش داد.

بحث و تفسیر و نتیجه گیری

همانطور که گفته شد کل مدل پیشنهادی با میانگین ۰/۹۳ از نظر گروههای مورد نظر (رؤسای دانشگاهها، متخصصان آموزش عالی، معاونین آموزشی و اعضای هیأت علمی) کاملاً مناسب و مناسب تشخیص داده شده است. در بین مؤلفه‌های مختلف مدل پیشنهادی بیشترین میانگین نمرات مربوط به فرآیند ارزشیابی و مهندسی مجدد و مراحل اجرایی مدل بوده است و بعد از آن کل مدل و مبانی نظری مدل پیشنهادی میانگین بالاتری را احراز نموده است.

بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که در بین مؤلفه‌های مدل فرآیند ارزشیابی و مهندسی مجدد و مراحل اجرایی مدل و مبانی نظری مدل پیشنهادی از شفافیت و مقبولیت بیشتری برخوردار بوده است ضمن آنکه سایر مؤلفه‌ها نیز امتیازی کمتر از ۸۵ کسب نکرده‌اند.

و اما در بین گروههای مورد نظر (رؤسای دانشگاهها، متخصصان آموزش عالی، معاونین آموزشی دانشگاهها و اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی و آزاد اسلامی)، متخصصان آموزش عالی امتیاز بیشتری برای کلیه مؤلفه‌های مدل پیشنهادی قایل بوده‌اند (۰/۷۵/۹).

نکته دیگر اینکه معاونین آموزشی دانشگاهها در مورد فلسفه و اهداف مدل پیشنهادی نسبت به سایر مؤلفه‌ها

آموزشی، آموزش عالی، برنامه ریزان استراتژیک و متخصصان ارزشیابی به صورت آزمایشی در برخی از دانشگاهها اجرا گردد و اصلاحات علمی، اجرایی صورت پذیرد.

۶. با استفاده از نتایج ارزشیابی ۳۶۰ درجه ای می توان چارچوب و منشوری را جهت رتبه بندی دانشگاهها استخراج و در نظام آموزش عالی کشور بکار بست.

۴. به منظور ایجاد زبان مشترک فنی و علمی و بسترسازی فرهنگی بویژه از طریق کارگاههای آموزشی در دانشگاههای دولتی و آزاد اسلامی در خصوص ارزشیابی ۳۶۰ درجه ای درونی و بیرونی، بطور رسمی و در حجم وسیع تری صورت پذیرد.

۵. پیشنهاد می گردد مدل ارائه شده مجدداً توسط متخصصان آموزش عالی از جمله متخصصان مدیریت

منابع و مآخذ:

۱. گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی؛ (۱۳۷۶) ، وبراستاران: یوسف محمدنژاد و داوود حاتمی، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲. ابیلی، خدایار؛(۱۳۷۵)، «ارزیابی ماهیت نظارت و ارزیابی جاری در آموزش عالی کشور»، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، به کوشش محسن خلیجی و محمد مهدی فرقانی؛ جلد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. بازرگان، عباس؛(۱۳۷۷) «آغازی برارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران: چالشها و چشم اندازها»، ترجمه: داوود حاتمی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، سال ششم ۱-۲، شماره مسلسل ۱۵ و ۱۶.
۴. بازرگان، عباس؛ (۱۳۷۴) «ارزیابی درونی دانشگاهها و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی شماره ۳ و ۴، سال سوم، شماره مسلسل ۱۱ و ۱۲، پائیز و زمستان ۱۳۷۴..
۵. حسینی نسب، داوود؛ «معرفی شاخص های آموزش عالی». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی شماره ۲، سال اول، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۷۲.
۶. سرمد، زهره، عباس، بازرگان: حجازی، الهه؛ (۱۳۷۸). «روشهای تحقیق در علوم رفتاری»، تهران، آگاه.
۷. قورچیان، نادر قلی، خورشیدی، عباس، (۱۳۷۹). «شاخصهای عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی». تهران انتشارات فرا شناختی اندیشه.
۸. کیامنش، علیرضا، (۱۳۷۹). «روشهای ارزیابی آموزشی»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. گروه مشاوران یونسکو(۱۳۶۹). «فرآیند برنامه ریزی آموزشی»، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۰. گروه ارزشیابی آموزشی؛ (۱۳۸۰)، «مجموعه عوامل، ملاکها و نشانگر های ارزیابی درونی»، گزارش شماره ۳ الف/ ۱۴/۸/۳.

11. Bazargan,A(2002). Measuring Access to Higher Education and Higher Education Quality: A Case Study from Iran. Prospects .VolXXXIII (3)
12. Beju.I. “ Romanina: A Case Study From Central and Eastern Eroup”. In Craft A.(ed) International Development in Assuring Quality in Higher Education. London: Flammer 1994.
13. Khon- Bentely & Bentely, 1998- 2001,Bracken & Chhurch: 1997, sellas,2000: Sullivan, 1997, Twymon, 1997.
14. Maccarty.M and Mass N Caravan (2001), 360 Feed Back and Proocess: Performance Improvement, Journal of European Industrial Training, PP- 3-5.
15. Word Bank (2002). Constructing Knowledge Societies: New Challenges For Tertiary Education Washington, D.C: Word Bank.
16. Wood House,(2003). Quality Improvement Through Quality and Audit. Quality in